

نور اخلاص

و تاریکی‌های انجام دادن اعمال آخرتی به نیت کسب دنیوی

(در پرتو قرآن و سنت)

مؤلف: نیازمند الله تعالی

دکتر. سعید بن علی بن وهف قحطانی

مترجم:

پدرام اندایش

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه‌ی مترجم:

به نام الله و برای الله و به یاد الله، مبحثی مختصر را شروع می‌کنیم که درباره‌ی اخلاص می‌باشد، امر مهمی که الله تعالی در قرآن، آن را یکی از راه‌های نجات معرفی فرموده است، آنجا که شیطان طغیان می‌کند و طلب تکبر می‌نماید و به عزت الله تعالی قسم یاد می‌کند که تمامی بندگان را گمراه خواهد ساخت، مگر کسانی که با اخلاص گشته‌اند؛ الله تعالی نیز این سخن او را تأیید می‌فرماید، برای اطلاعات بیشتر درباره‌ی راه‌های ورود شیطان می‌توانید به کتاب تلخیص ابلیس رجوع کنید ولی آنچه در قرآن برای نجات یافتن از دست شیطان بیان شده است، اخلاص و توکل به الله تعالی می‌باشد.

مقدمه‌ی مؤلف:

شکر و ستایش برای الله تعالی است، او را حمد گفته و از او کمک می‌جوییم و از او طلب آمرزش می‌نماییم و به الله تعالی پناه می‌بریم از شرّهای درونیمان و بدی اعمالمان. کسی را که الله متعال هدایت کند، گمراه کننده‌ای ندارد

و کسی را که او گمراه سازد، هدایت کننده‌ای ندارد. گواهی می‌دهم که پرستش شونده‌ی برحق‌ی جز الله متعال وجود ندارد و یکتا و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد بنده و فرستاده‌ی وی باشد؛ صلی الله علیه وعلی آله و أصحابه و من تبعهم بإحسان إلی یوم الدین، وسلم تسلیماً کثیراً.

اما بعد:

این مطلبی کوتاه است که نور اخلاص و تاریکی‌های انجام دادن عمل آخرتی به نیت کسب دنیا، در آن بیان شده است: مفهوم اخلاص و اهمیت آن و منزلت نیت صالح و خطر انجام دادن عمل صالح برای کسب دنیوی و خطر ریا و انواع و اقسام آن و اثر آن بر عمل و اسباب آن و چیزهایی که باعث دفع آن می‌شود و همچنین راه‌های بدست آوردن اخلاص در این مطلب مختصر بیان شده است.

شکی وجود ندارد که اخلاص سبب یاری شدن [از طرف الله تعالی] و پیروزی می‌باشد و همچنین نجات یافتن از عذاب الله تعالی و بالا رفتن منزلت در دنیا و آخرت و رستگاری و دوست داشتن الله متعال و دوست داشتن اهل آسمانها و زمین توسط شخص با اخلاص، می‌گردد در حقیقت این گونه است

که آن نوری است که الله تعالی در قلب هر کدام از بندگان که بخواهد قرار می‌دهد: ﴿وَمَنْ لَّمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُّورٍ﴾^۱ (و کسی که الله برای او نوری قرار ندهد، برای او نوری وجود نخواهد داشت)، انجام دادن عمل آخرت برای دنیا، تاریکی‌هایی است که بعضی از آنها بر بعضی دیگر سایه افکنده‌اند؛ زیرا آن با کامل بودن توحید منافات دارد و عمل کسی که گرفتار آن شود را باطل می‌کند، الله ﷻ می‌فرماید: ﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوَفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ * أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبَاطِلٌ مَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾^۲ (کسی که زندگی دنیوی و زینت آن را بخواهد، اعمال آنها را بدون کم و کاستی در آن به آنها می‌دهیم و حقی از آنها در آن ضایع نمی‌گردد * آنان کسانی هستند که در آخرت چیزی برایشان نخواهد بود، مگر آتش جهنم و آنچه انجام داده‌اند باطل می‌گردد و آنچه را که به آن عمل می‌کنند بوج و بی‌فایده می‌گردد).

در این کتاب دو مبحث آمده است و در هر مبحث این مسائل بیان

۱ - سورة النور، الآية: ۴۰.

۲ - سورة هود، الايتان: ۱۵-۱۶.

می‌شود:

مبحث اول: نور إخلاص:

مطلب اول: مفهوم إخلاص.

مطلب دوم: اهمیت اخلاص.

مطلب سوم: منزلت نیت صالح و میوه‌های آن.

مطلب چهارم: ثمره‌ی اخلاص و فایده‌های آن.

مبحث دوم: تاریکی‌های انجام عمل آخرت برای کسب دنیا:

مطلب اول: خطر خواست دنیا با عمل آخرت.

مطلب دوم: انواع عمل برای دنیا.

مطلب سوم: خطر ریا و ضررهای آن.

مطلب چهارم: انواع ریا و ریزه‌کاری‌های آن.

مطلب پنجم: اقسام ریا و اثر آن بر عمل.

مطلب ششم: سبب‌های پیدایش ریا و دفع‌کننده‌های

آن.

مطلب هفتم: راه‌های کسب اخلاص و علاج نمودن

ریا.

از الله تعالی با اسم اعظمش که اگر با آن درخواستی صورت گیرد، آن را عطا می‌فرماید و اگر توسط آن دعایی انجام شود، اجابت می‌کند، می‌خواهم که تا این عمل اندک را برای رضایتمندی صورت گرامی خودش به شکلی پُربرکت و خالص قرار دهد، و باعث تقرب مؤلف، [مترجم] خواننده، چاپ کننده و ناشر آن شود و باعث رسیدن به بالاترین درجه‌ی بهشت که همان فردوس است گردد، توسط آن به من در زندگی و بعد از مرگ سود برساند و توسط آن به هرکس را که به آن مربوط است، سود رسانده شود. الله تعالی بهترین درخواست شده و گرامی‌ترین کسی است که از وی آرزو صورت می‌گیرد، او برای ما کافی است و نیک نگهبانی می‌باشد و هیچ قدرت و توانی بدون اذن الله والا و بزرگ وجود ندارد و صلوات و سلامتی و برکت بر پیامبرمان و بر آتش و بر اصحابش و کسی که از آنها تا روز قیامت، در نیکی تبعیت کند.

مؤلف: سعید بن علی بن وهف القحطانی

تحریر آن در عصر روز سه شنبه در تاریخ ۱۴۱۹/۱۰/۱۶ هـ صورت
گرفته است

مبحث أول: نور إخلاص

مطلب أول: مفهوم إخلاص

اخلاص در لغت: خَلَصَ يَخْلُصُ خلوصاً است که معنای آن صفا و پاکی از هر آمیختگی است، گفته می‌شود: «خَلَصَ مِنْ وَرْطَنَه» (از گرفتاری راحت شد) به معنای آن است که از آن سلامت ماند و نجات یافت. گفته می‌شود: «خَلَصَهُ تَخْلِیصاً»: به معنای نجات یافتن است. اخلاص در اطاعت دینی: به معنای ترک ریا است^(۱).

حقیقت اخلاص این است که بنده با عملش فقط نیت تَرَبُّبِ به الله تعالی را به طور یکتا داشته باشد.

اهل علم تعریف‌هایی از آن دارند که بعضی از آنها به بعضی دیگر نزدیک می‌باشند:

گفته شده است: اخلاص یعنی یکی کردن نیت در اطاعت در حق الله سبحانه.

گفته شده است: اخلاص به معنای درست بودن عمل بنده در ظاهر و باطن است، و ریا به این معناست که ظاهر آن از باطنش بهتر باشد و راستگویی در اخلاص به معنای آن است که باطن بهتر و آبادتر از ظاهر باشد.

(۱) المعجم الوسیط، ۲۴۹/۱، ومختار الصحاح، ص ۷۷.

گفته شده است: تصویبه‌ی عمل از هر آمیختگی در آن^(۱).

بر اساس آنچه آمد: شرح اخلاص آن است که انجام عمل فقط برای تقرب یافتن به الله تعالی به شکلی یکتا باشد و در آن ریا و قصد آن که مردم از وی خوب بگویند و طلب نمایش دادن زوال پذیر و تصنعی وجود نداشته باشد و فقط امید به ثواب الله تعالی و ترس از مجازات وی و طمع رضایتمندی وی وجود داشته باشد.

به همین دلیل قاضی عیاض رحمه الله گفته است: «ترک عملی به نیت مردم ریا است و انجام عملی برای مردم شرک است و اخلاص آن است که الله از هر دوی آنها برای تو کافی باشد»^(۲).

إخلاص در زندگی مسلمان به آن معناست که او عمل، سخن، سایر رفتارها و آموزش دادنش برای رضایتمندی الله تعالی به طور یکتا و بی‌شریک باشد و برای خدایی به غیر از وی صورت نپذیرد.

مطلب دوم: اهمیت اخلاص

الله تعالی مخلوقات را آفریده است شامل جنیان و انسها می‌باشد و ولی این آنها را آفریده است که او را به شکلی یکتا و بی‌شریک عبادت کند و تمامی افراد مکلف را به اخلاص امر می‌نماید و می‌فرماید: «وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ»^(۳) (و امر نشدند مگر آن که الله را در دینش مخلصانه عبادت کنند). همچنین الله تعالی می‌فرماید: «إِنَّا لَنُرَاهُ إِلَيْكَ

(۱) مدارج السالکین، لاین القیم، ۹۱/۲.

(۲) انظر: مدارج السالکین، لاین القیم، ۹۱/۲.

(۳) سورة البينة، الآية: ۵.

الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَأَعِدَّ اللَّهُ لَهُ مَخْلَصًا لَهُ الدِّينَ * أَلَا اللَّهُ لِلَّذِينَ خَالَصُوا^(۱) (ما کتاب را به حق بر تو نازل نمودیم، پس الله را در دین به طور مخلصانه عبادت کن! * به هوش که برای الله دین خالص می‌باشد، ﴿قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ﴾^(۲) (بگو: همانا نماز من و قربانی من و زندگی من و مرگ من برای الله پروردگار جهانیان است * شریکی ندارد و به آن امر شدم و من اولین مسلمانان تسلیم شدگان در برابر امر الله تعالی هستم). همچنین می‌فرماید: ﴿الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيُؤْتِكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾^(۳) (و کسی است که مرگ و زندگی را آفرید تا شما را آزمایش کند که کدام یک از شما در عمل نیکوتر است).

فضیل بن عیاض گفته است: آن خالصش می‌گرداند و آن را درست می‌کند. گفتند: ابو علی چه چیز آن را خالص می‌گرداند و آن را درست می‌کند؟ گفت: «اگر عمل خالص باشد و درست نباشد، پذیرفته نمی‌شود و اگر خالص نباشد قبول نمی‌شود، حتی اگر درست باشد، خالص آن است که فقط برای الله [تعالی] و درست آن است که مطابق سنت باشد»^(۴). سپس این سخن الله تعالی را قرائت کرد: ﴿فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾^(۵) (کسی که به دیدار پروردگارش امید دارد، پس عمل صالح انجام دهد و در عبادت پروردگارش کسی را شریک نگرداند) و الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ﴾^(۶) (چه کسی در دین نیکوتر از کسی است که صورتش را تسلیم الله نموده است در حالی که او نیکوکار می‌باشد).

(۱) سورة الزمر، الآيات: ۲-۳.

(۲) سورة الأنعام، الآيات: ۱۶۲-۱۶۳.

(۳) سورة الملك، الآية: ۲.

(۴) مدارج السالکین، لابن القيم، ۸۹/۲.

(۵) سورة الکہف، الآية: ۱۱۰.

(۶) سورة النساء، الآية: ۱۲۵.

تسلیم کردن وجه: اخلاص نیت و عمل برای الله تعالی است و نیکوکاری در آن تبعیت از رسول الله ﷺ و سنتش است^(۱).

انس بن مالک ؓ آورده است که رسول الله ﷺ فرمود: «ثَلَاثٌ لَا يَغْلُ عَنْهُنَّ قَلْبُ مُسْلِمٍ أَبَدًا: إِخْلَاصُ الْعَمَلِ لِلَّهِ، وَمُنَاصَحَةُ وُلَاةِ الْأَمْرِ وَلُزُومُ الْجَمَاعَةِ، فَإِنَّ دَعْوَتَهُمْ تُحِيطُ مِنْ وَرَائِهِمْ»^(۲) (سه چیز است که قلب مسلمان هرگز برایش سنگین نمی‌شود: اخلاص در عمل برای الله و خیرخواهی صاحبان امر و لزوم اهل جماعت بودن و دعای آنها از پشت سرشان مستجاب می‌شود).

اخلاص همان روح عمل مسلمان است و مهمترین صفات وی می‌باشد و بدون آن کوشش و عملش، گرد و غباری پراکنده می‌باشد.

به اتفاق نظر امامان اسلام اخلاص از مهمترین اعمال قلب می‌باشد و شکی نیست که اعمال قلب، اصل می‌باشد، اعمال قلب مانند: دوست داشتن الله تعالی و فرستاده‌اش و توکل بر وی و اخلاص داشتن برای وی و ترس از او و امید به او؛ اعمال اعضای بدن نیز تابع آن می‌باشد؛ نیت به منزله‌ی روح می‌باشد و عمل به منزله‌ی اعضای بدن که اگر بدون روح شوند، می‌میرند و شناخت احکام قلب مهمتر از شناخت احکام اعضای بدن است.

بر مسلمان واجب است که برای الله ﷻ خالص باشد و به دنبال ریا و تعریف مردم و ستایش آنها و مدح و ستودن آنها نباشد، بلکه عمل صالح را انجام می‌دهد و به سوی الله تعالی دعوت می‌نماید، فقط برای آن که رضایت وی

(۱) مدارج السالکین، لاین القیم، ۹۰/۲.

(۲) أخرجه الترمذی، فی کتاب العلم، باب: ما جاء فی الحث علی تبلیغ السماع، ۳۴/۵، برقم ۲۶۵۸ من حدیث عبد الله بن مسعود ؓ وأخرجه أحمد، ۱۸۲/۵ من حدیث زید بن ثابت ؓ. وصححه الألبانی فی مشکلا المصاحیح، ۷۸/۱.

را می‌خواهد، همان گونه که الله سبحانه می‌فرماید: ﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ﴾^(۱) (بگو: این راه من است که به سوی الله دعوت می‌دهم)، همچنین الله سبحانه می‌فرماید: ﴿وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ﴾^(۲) (چه کسی در سخن نیکوتر از کسی است که به سوی الله دعوت دهد).

اخلاص از بزرگترین صفات می‌باشد که بر تمامی مسلمانان واجب است و دعوت آنها و عمل آنها فقط برای رضایتمندی الله تعالی و سرزمین آخرت می‌باشد و همچنین بر کسانی که می‌خواهند تا مردم را اصلاح نمایند و آنان را از تاریکی‌ها خارج نمایند و به سوی نور سوق دهند نیز واجب است^(۳).

مطلب سوم: منزلت نیت صالح و ثمرات آن

نیت: اساس عمل و قاعده‌ی آن می‌باشد و رأس امور بوده و ستون آن است و اصلی است که بر اساس آن [عمل] بنا می‌شود؛ زیرا آن روح عمل است و فرماندهی آن و راننده‌ی آن می‌باشد، عمل تابع آن است و با درست بودن آن درست می‌شود و با به فساد کشیدن آن به فساد کشیده می‌شود و توسط آن توفیق می‌یابد، در صورت وجود نداشتن نیت صالح خواری حاصل می‌شود و بر حسب آن درجات دنیوی و اخروی تفاوت می‌یابد^(۴)؛ به همین دلیل پیامبر ﷺ فرموده است: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى ...»^(۵) (اعمال فقط

(۱) سوره یوسف، الآية: ۱۰۸.

(۲) سوره فصلت، الآية: ۳۳.

(۳) انظر: مجموع فتاوى سماحة الشيخ ابن باز، ۱/ ۳۴۹ و ۴/ ۲۲۹.

(۴) انظر: النية وأثرها في الأحكام الشرعية للدكتور صالح بن غانم السدلان، ۱/ ۱۵۱.

(۵) متفق عليه من حديث عمر بن الخطاب ؓ البخاري، كتاب بدء الوحي، باب: كيف كان بدء الوحي إلى رسوله ﷺ، ۹/ ۱، برقم ۱. ومسلم، كتاب الإمارة، باب: قوله ﷺ «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّةِ» ۳/ ۱۵۱۵، برقم ۱۹۰۷.

وابسته به نیت آنها می‌باشند و برای هر شخصی آن چیزی است که نیت کرده است...

الله تعالی می‌فرماید: ﴿لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّنْ نُّجْوَاهُمْ إِلَّا مِنْ أَمْرٍ بَصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَمَن يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا﴾^(۱) (خیری در زیاد درگوشی صحبت کردن وجود ندارد، مگر کسی که به صدقه‌ای یا امر نیکی یا اصلاح بین مردم، امر کند و کسی که آن را برای کسب رضایتمندی الله انجام دهد، برای او اجر بزرگی خواهد بود).

این آیه به اهمیت و منزلت نیت راهتمایی می‌کند، دعوت کنندگان به سوی الله تعالی و دیگر مسلمانان، نیز نیاز به اصلاح نیت دارند، اگر آن اصلاح گردد به بنده اجر بزرگ و ثواب زیادی داده می‌شود، حتی اگر عملی انجام ندهد، البته این در حالتی است که نیتش صادقانه باشد؛ به همین دلیل پیامبر ﷺ فرموده است: «إِذَا مَرَضَ الْعَبْدُ أَوْ سَافَرَ كُتِبَ لَهُ مِثْلُ مَا كَانَ يَعْمَلُ مُقِيمًا صَحِيحًا»^(۲) (اگر بنده مریض شود یا در سفری باشد [و عبادات او کم شود] به مانند زمانی که در سفر نیست و سالم می‌باشد، به او اجر داده می‌شود). همچنین پیامبر ﷺ فرموده است: «مَا مِنْ أَمْرٍ تَكُونُ لَهُ صَلَاةٌ بَلِيلٍ فَيُغْلِبُهُ عَلَيْهَا نَوْمٌ إِلَّا كُتِبَ اللَّهُ لَهُ أَجْرُ صَلَاتِهِ، وَكَانَ نَوْمُهُ صَدَقَةً عَلَيْهِ»^(۳) (شخصی نیست که نیت نماز شب نماید و خواب بر او غلبه کند، [اتفاقی نمی‌افتد] مگر آن که الله اجر نماز او را برایش می‌نویسد و خوابش صدقه می‌باشد).

(۱) سورة النساء، الآية: ۱۱۴.

(۲) البخاری کتاب الجهاد والسر، باب ۲۰/۴، الإقامة، ۲۰۰/۴، برقم ۲۹۹۶.

(۳) أبو داود، کتاب الصلاة، باب من نوى القيام فنام، ۲۴/۲، برقم ۱۳۱۴. والنسائی، کتاب قیام اللیل، وتطوع النهار، باب من كان له صلاة بليل فغلبه عليها نوم، ۳/۲۷۵، برقم ۱۷۸۴. وصححه الألبانی فی إرواء الغلیل، ۲۰۴/۲، وصحیح الجامع، ۱۶۰/۵، برقم ۵۵۶۷.

همچنین فرموده است: «مَنْ تَوَضَّأَ فَأَحْسَنَ الْوُضُوءَ ثُمَّ خَرَجَ عَامِدًا إِلَى الْمَسْجِدِ فَوَجَدَ النَّاسَ قَدْ صَلَّوْا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِثْلَ أَجْرِ مَنْ حَضَرَهَا وَلَا يَنْقُصُ ذَلِكَ مِنْ أَجُورِهِمْ شَيْئًا»^(۱) (کسی که وضوی نیکویی بگیرد و به نیت رفتن به مسجد بیرون بیاید و مردم را در حالتی بیابید که نماز خود را تمام کرده‌اند، الله به مانند آن که در [نماز جماعت] بوده است به او اجر می‌دهد و این از اجر آنها نمی‌کاهد).

همچنین فرموده است: «مَنْ سَأَلَ اللَّهَ الشَّهَادَةَ بِصِدْقٍ بَلَغَهُ اللَّهُ مَنَازِلَ الشُّهَدَاءِ وَإِنْ مَاتَ عَلَى فِرَاشِهِ»^(۲) (کسی که از الله صادقانه شهادت را طلب کند، الله او را به منازل شهدا می‌رساند، حتی که در رختخوابش بمیرد).

این دلیلی بر بخشش الله ﷻ و نیکوکاری‌اش به بندگان می‌باشد؛ به همین دلیل پیامبر ﷺ در غزوه‌ی تبوک فرمود: «إِنَّ بِالْمَدِينَةِ أَقْوَامًا مَا سِرْتُمْ مَسِيرًا وَلَا قَطَعْتُمْ وَاذِيًا إِلَّا كَانُوا مَعَكُمْ» (افرادی در مدینه هستند که راهی را طی نکردید و دره‌ای را نپیمودید، مگر آن که همراه شما بودند)، گفتند: ای رسول الله! چگونه همراه ما هستند در حالی که آنها در مدینه می‌باشند؟ فرمود: «حَبَسَهُمُ الْعُذْرُ»^(۳) (عذر داشتن آنها را [از با ما بودن] منع نمود).

نیت صالح باعث می‌شود تا الله تعالی اعمال آسان را زیاد نماید؛ به همین دلیل پیامبر ﷺ به مردی که ذره پوشیده بود و به رسول الله ﷺ گفت: بچنگم

(۱) أبو داود، کتاب الصلاة، باب فیمن خرج یرید الصلاة فسبق بها، ۱/۱۵۴، برقم ۵۶۴، والتسانی، کتاب الإمامة، باب حد إدراك الجماعة، ۲/۱۱۱، برقم ۸۵۵، وقال ابن حجر فی فتح الباری: ((استاده قوی لله ۱۳۷/۶)).

(۲) مسلم، کتاب الإمامة، باب استحباب طلب الشهادة فی سبیل الله تعالی، ۳/۱۵۱۷، برقم ۱۹۰۹.

(۳) البخاری، کتاب الجهاد والسر، باب من حبسه العذر عن الغزو، ۳/۲۸۰، برقم ۲۸۳۹، وأبو داود، کتاب الجهاد، باب الرخصة فی القعود من العذر، ۳/۱۲، برقم ۲۰۵۸، واللفظ له.

یا مسلمان شوم؟ فرمود: «أَسْلِمْتُ ثُمَّ قَاتِلُ» (مسلمان شو بعد بجنگ؟)، آن مرد اسلام آورد سپس جنگید و کشته شد و رسول الله ﷺ فرمود: «عَمِلَ قَلِيلًا وَأَجَرَ كَثِيرًا»^(۱) (عملی کم و اجری زیاد [برای او بود]).

مردی نزد رسول الله ﷺ آمد و اسلام آورد و رسول الله ﷺ به او اسلام را می‌آموخت و این در حالی بود که آنها در مسیری بودند، پای شترش در سوارخ موش صحرایی فرو رفت و شترش [افتاد] و گردن او شکست، رسول الله ﷺ فرمود: «عَمِلَ قَلِيلًا وَأَجَرَ كَثِيرًا» (عمل کم و اجر زیاد). حماد(یکی از راویان حدیث) آن را سه بار تکرار کرد^(۲).

با نیت صالح، الله تعالی در اعمال مباح برکت قرار می‌دهد و توسط آنها به بنده ثواب می‌دهد؛ به همین دلیل پیامبر ﷺ فرموده است: «إِذَا تَنَقَّاهُ الرَّجُلُ عَلَى أَهْلِهِ يَحْتَسِبُهَا فَهُوَ لَهُ صَدَقَةٌ»^(۳) (اگر مردی برای اهلش خرجی نماید و آن را به نیت ثواب انجام دهد، برای او [اجر] صدقه را دارد)، همچنین پیامبر ﷺ به سعد بن ابی وقاصؓ فرمود: «إِنَّكَ لَنْ تُنْفِقَ نَفَقَةً تَبْتَغِي بِهَا وَجَهَ اللَّهِ إِلَّا أُجِرْتَ عَلَيْهَا حَتَّى مَا تَجْعَلَ فِي فِي أَمْرَاتِكَ»^(۴) (تو هرگز مالی را در حالی که رضایتمندی الله را طلب می‌نمایی، انفاق نمی‌کنی مگر آن که توسط آن به تو اجر

(۱) متفق علیه من حدیث البراء ؓ البخاری، کتاب الجهاد والسير، باب: عمل صالح قبل الجهاد، ۲۷۱/۳، برقم ۲۸۰۸، واللفظ له. ومسلم، کتاب الإمامة، باب نبوت الجنة للشهيد، ۱۵۰۹/۳، برقم ۱۹۰۰.

(۲) مسند الإمام أحمد، ۳۵۷/۴.

(۳) متفق علیه من حدیث أبی مسعود ؓ البخاری، کتاب الإيمان، باب ما جاء أن الأعمال بالنية والحسبة، ولكل امرئ ما نوى، ۲۴/۱، برقم ۵۵. ومسلم، کتاب الزكاة، باب فضل النفقة والصدقة على الأقربين، والزوج، والأولاد، ۶۲۵/۲، برقم ۱۰۰۲.

(۴) متفق علیه: البخاری، کتاب الإيمان، باب ما جاء أن الأعمال بالنية، ۲۴/۱، برقم ۵۶. ومسلم، کتاب الوصية، باب الوصية بالثلث، ۱۲۵۰/۳، برقم ۱۶۲۸.

می‌رسد، حتی آنچه را که در دهان زنت می‌گذاری).

پیامبر ﷺ فرموده است: «إِنَّمَا الدُّنْيَا لِأَرْبَعَةٍ نَفَرٍ عَبْدٌ رَزَقَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَالًا وَعِلْمًا فَهُوَ يَتَّقِي فِيهِ رَبَّهُ وَيَصِلُ فِيهِ رَحِمَهُ وَيَعْلَمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِ حَقَّهُ قَالَ فَهَذَا بِأَفْضَلِ الْمَنَازِلِ قَالَ وَعَبْدٌ رَزَقَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عِلْمًا وَلَمْ يَرِزْقُهُ مَالًا قَالَ فَهُوَ يَقُولُ لَوْ كَانَ لِي مَالٌ عَمِلْتُ بِعَمَلِ فُلَانٍ قَالَ فَأَجْرُهُمَا سَوَاءٌ قَالَ وَعَبْدٌ رَزَقَهُ اللَّهُ مَالًا وَلَمْ يَرِزْقُهُ عِلْمًا فَهُوَ يَخْطِئُ فِي مَالِهِ يَغْيِرُ عِلْمٌ لَا يَتَّقِي فِيهِ رَبَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَلَا يَصِلُ فِيهِ رَحِمَهُ وَلَا يَعْلَمُ اللَّهُ فِيهِ حَقَّهُ فَهَذَا بِأَخْبَثِ الْمَنَازِلِ قَالَ وَعَبْدٌ لَمْ يَرِزْقُهُ اللَّهُ مَالًا وَلَا عِلْمًا فَهُوَ يَقُولُ لَوْ كَانَ لِي مَالٌ لَعَمِلْتُ بِعَمَلِ فُلَانٍ قَالَ هِيَ نَيْتُهُ فَوِزْرُهُمَا فِيهِ سَوَاءٌ»^(۱)

(دنیا فقط برای چهار نفر می‌گذرد: بنده‌ای که الله ﷻ به او مال و علمی را روزی می‌دهد، او در آن از پروردگارش تقوا پیشه می‌کند و حق صله رحم آن را بجا می‌آورد و آنچه از حق آن که مربوط به الله ﷻ می‌شود را می‌داند، فرمود: این برترین مرتبت‌ها است و فرمود: مردی که الله ﷻ به او علمی روزی می‌دهد، در حالی که مالی را به او روزی نمی‌دهد، او می‌گوید: اگر مالی داشتم به مانند فلانی درباره‌ی آن عمل می‌نمودم، فرمود: اجر هر دوی آنها یکی است، فرمود: بنده‌ای است که الله به او مالی را روزی می‌دهد، در حالی که علمی را به او روزی نمی‌دهد و او در مالش به غیر علم رفتار می‌کند و در آن از پروردگارش ﷻ تقوا پیشه نمی‌کند و درباره‌ی آن صله رحم بجا نمی‌آورد و حق الله درباره‌ی آن را نمی‌داند، این خبیث‌ترین مرتبت‌ها است، فرمود: و بنده‌ای است که الله مال و علمی را به او روزی نمی‌دهد و او می‌گوید: اگر مالی داشتم به مانند فلانی با آن [در کار خیر] رفتار می‌نمودم، فرمود: این نیت است و توشه‌ی آنها [برای آخرت] یکی است).

(۱) الترمذی، کتاب الزهد، باب ما جاء مثل الدنيا مثل أربعة نفر، ۵۶۲/۴، برقم ۲۳۲۵، وابن ماجه، کتاب الزهد، باب النية، برقم ۴۲۲۸، وأحمد، ۱۳۰/۴، وصححه الألبانی، فی صحیح الترمذی، ۲۷۰/۲.

پیامبر ﷺ از جانب پروردگارش فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ كَتَبَ الْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ ثُمَّ بَيَّنَ ذَلِكَ فَمَنْ هُمْ بِحَسَنَةٍ فَلَمْ يَعْمَلْهَا كَتَبَهَا اللَّهُ لَهُ عِنْدَهُ حَسَنَةٌ كَامِلَةٌ فَإِنْ هُوَ هُمْ بِهَا فَعَمَلَهَا كَتَبَهَا اللَّهُ لَهُ عِنْدَهُ عَشْرَ حَسَنَاتٍ إِلَى سَبْعِ مِائَةٍ ضِعْفٍ إِلَى أَضْعَافٍ كَثِيرَةٍ وَمَنْ هُمْ بِسَيِّئَةٍ فَلَمْ يَعْمَلْهَا كَتَبَهَا اللَّهُ لَهُ عِنْدَهُ حَسَنَةٌ كَامِلَةٌ فَإِنْ هُوَ هُمْ بِهَا فَعَمَلَهَا كَتَبَهَا اللَّهُ لَهُ سَيِّئَةٌ وَاحِدَةٌ»^(۱) (الله نیکی‌ها و بدی‌ها را می‌نویسد، سپس آن را این گونه بیان فرمود: کسی که نیت کار نیکی را انجام دهد و آن را انجام ندهد، الله برای او یک نیکی کامل می‌نویسد و اگر آن نیت را به انجام برساند و به آن عمل نماید، الله برای او ده برابر تا هفتصد برابر و بلکه بیشتر [نیکی] می‌نویسد، کسی که نیت عمل بدی را انجام دهد و به آن عمل ننماید، الله برای او نیکی کاملی می‌نویسد و اگر او نیت آن را داشته باشد و به آن عمل نماید، الله برای او یک بدی می‌نویسد).

مطلب چهارم: ثمره‌های اخلاص و فواید آن

اخلاص دارای ثمره‌های ستوده و فواید جلیل و بزرگی است، از آنها:

اول: دست یابی به خیر دنیا و آخرت از فضایل اخلاص و ثمره‌های آن می‌باشد.

دوم: إخلاص به همراه لزوم تبعیت از پیامبر ﷺ از بزرگترین سبب‌های قبول شدن اعمال صالح است.

سوم: إخلاص باعث به وجود آمدن محبت الله تعالی در بنده می‌شود، سپس محبت ملانک و قبولی بر آنچه بر روی زمین است می‌شود.

(۱) متفق علیه من حدیث ابن عباس رضی الله عنهما: البخاری، کتاب الرقاق، باب من هم بحسنة أو سيئة، ۲۳۹/۷، برقم ۶۴۹۱، ومسلم، کتاب الإيمان، باب إذا هم العبد بحسنة كتبت له وإذا هم بسيئة لم تكتب، ۱۱۷/۱، برقم ۱۳۱.

چهارم: إخلاص ستون عمل و روح آن می‌باشد.

پنجم: باعث می‌شود تا با عملی آسان و دغلی کم، اجر بزرگ و ثواب عظیمی برده شود.

ششم: شخص دارای اخلاص هر عملی را به نیت رضایت‌مندی الله تعالی انجام دهد، برای او ثواب نوشته می‌شود، حتی اگر آن کار مباح باشد.

هفتم: شخص دارای اخلاص، برای هر عملی را که نیت کند که آن را انجام دهد، برای او ثواب نوشته می‌شود، حتی اگر او آن را انجام ندهد.

هشتم: اگر خواب بماند یا فراموش کند، آن عملی را که انجام نداده است، ثواب آن را می‌برد.

نهم: اگر بنده مریض شود و یا در سفری باشد، به دلیل اخلاصش، ثواب او طوری نوشته می‌شود که سالم بوده است و در سفر نبوده است.

دهم: الله تعالی با اخلاص امت را یاری نموده و پیروز می‌گرداند.

یازدهم: إخلاص باعث نجات از عذاب آخرت می‌شود.

دوازدهم: راحت شدن از طوفانهای بلاهای دنیوی و آخرتی از ثمره‌های اخلاص است.

سیزدهم: بالا رفتن درجات آخرتی توسط اخلاص حاصل می‌گردد.

چهاردهم: رهایی از گمراهی.

پانزدهم: إخلاص باعث زیاد شدن هدایت می‌شود.

شانزدهم: خوشنام شدن نزد مردم از ثمره‌های اخلاص می‌باشد.

هفدهم: اطمینان خاطر در قلب و احساس خوشبختی.

هجدهم: زیبا شدن ایمان در درون.

نوزدهم: توفیق همنشینی با اهل اخلاص پیدا کردن.

بیستم: خاتمه یافتن زندگی به شکلی نیکو.

بیست و یکم: استجابت دعا.

بیست و دوم: نعمت در قبر و بشارت داده شدن به شادی.

بیست و سوم: داخل شدن به بهشت و نجات یافتن از آتش جهنم.

[بیست و چهارم: فریب شیطان را نخوردن]

این ثمره‌ها دلایل بسیاری دارد که از قرآن و سنت استخراج می-

شود^(۱).

از الله تعالی برای خودم و برادران مسلمانم طلب می‌نمایم تا در

سخن و عملمان به ما اخلاص عطا نماید.

مبحث دوم: تاریکی‌های انجام عمل آخرت به نیت دنیا

مطلب اول: خطر خواست دنیا با عمل آخرتی

خطر بزرگی است که انسان عمل صالحی را انجام دهد، در حالی

که نیت وی کسب دنیوی باشد و این شرک است و با کامل بودن توحید واجب،

تضاد دارد، توسط آن عمل باطل می‌گردد و آن از ریا بدتر است؛ زیرا کسی که

دنیا را می‌خواهد، بسیاری از اعمال او را این مسأله در برمی‌گیرد، ولی ریا باعث

می‌شود تا شخص عملی را انجام می‌دهد که ثوابی ندارد و این امر او ادامه

نمی‌یابد و مؤمن از این و آن برحذر می‌باشد.

فرق بین ریا و خواست دنیا توسط انسان با عملش: آنها به طور

عموم و خصوص با یکدیگر فرق دارند، در هر دوی آنها خواسته می‌شود تا عمل

نزد مردم زیبا جلوه کند؛ تا او را ببینند و او را بزرگ شمارند و او را مدح نمایند

و این ریا است، همچنین خواست دنیا نیز می‌باشد، زیرا شخص در این حالت

(۱) بدل علی ذلک ما تقدم فی المطالبین السابقین، وانظر: کتاب الإخلاص لحسین العوايشة، ص ۶۴.

عمل خود را نزد مردم زیبا جلوه می‌دهد و طلب گرامی‌داشتن و مدح و ستایش از آنها را دارد.

اما عمل دنیا این است که انسان عمل صالحی را برای دنیا انجام می‌دهد و هدف او ریا کردن نزد مردم است و فقط آن را برای کسب متاع دنیا انجام می‌دهد به مانند: کسی که به جای شخصی دیگر حج می‌نماید تا مالی کسب کند، یا جهاد می‌نماید تا غنیمت بدست آورد، یا به مانند آن، ریاکار عمل را برای مدح و ستایش مردم انجام می‌دهد. عمل کننده برای دنیا، عمل صالح را انجام می‌دهد در حالی که هدف او برای کالای دنیوی می‌باشد. هر دوی آنها زیانکار هستند، به الله تعالی پناه می‌بریم از چیزهایی که باعث خشمگین شدن وی و عذاب دردناکش می‌شوند^(۱).

توصی آمده است که دلیلی بر زیانکار بودن انجام دهنده عمل آخرت برای دنیا می‌باشد:

الله تعالی می‌فرماید: ﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزَيَّنَّهَا نُوفَ إِلَيْهِمْ أَعْمَالُهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ﴾ * ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبَاطِلٌ مَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾^(۲) (کسانی که زندگی دنیوی و زیبایی آن را بخواهند، آن را به طور کامل به آنها می‌دهیم و در آن کاستی نمی‌یابند * آنان کسانی هستند که در آخرت چیزی برای آنها نمی‌ماند، مگر آتش جهنم و آنچه را که در آن [دنیا] انجام داده‌اند، باطل می‌گردد و آنچه را که انجام می‌دادند بوج می‌شود).

(۱) انظر: فتح المجید، ص ۴۴۲، وتیسیر العزیز الحمید، ص ۵۳۴.

(۲) سورة هود، الآية: ۱۵-۱۶.

الله ﷻ می‌فرماید: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَّلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا»^(۱) (کسی که زندگی نزدیک را بخواهد، در آن هر چه را بخواهیم زود به او می‌دهیم، سپس جهنم را برای وی قرار می‌دهیم که در آن خوار و رانده شده در می‌آید).

الله تعالی می‌فرماید: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ»^(۲) (کسی که بهره‌ی آخرت را بخواهد، بر بهره‌ی او می‌افزاییم و کسی که بهره‌ی دنیا را بخواهد، از آن به او می‌دهیم و در آخرت نصیبی نخواهد داشت).

الله ﷻ می‌فرماید: «فَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ»^(۳) (از انسانها کسی است که می‌گوید: پروردگار ما! در دنیا به ما عطا فرما و در آخرت برای او چیزی نخواهد بود).

پیامبر ﷺ فرموده است: «مَنْ تَعَلَّمَ عِلْمًا مِمَّا يُبْتَغَى بِهِ وَجْهُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَا يَتَعَلَّمُهُ إِلَّا لِيَصِيبَ بِهِ عَرَضًا مِنَ الدُّنْيَا لَمْ يَجِدْ عَرَفَ الْجَنَّةَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^(۴) (کسی که علمی را بیاموزد که شایسته آن می‌باشد که توسط آن رضایتمندی الله ﷻ طلب شود و آن را نیاموزد مگر برای آن که به کالایی از دنیا دست یابد، روز قیامت بوی بهشت نیز به او نمی‌رسد).

جابر رضی الله عنه آورده است که پیامبر ﷺ فرمود: «لَا تَعْلَمُوا الْعِلْمَ لِنَبَاهُوا بِهِ

(۱) سورة الإسراء، الآية: ۱۸.

(۲) سورة التورى، الآية: ۲۰.

(۳) سورة البقرة، الآية: ۲۰۰.

(۴) (ابو داود، کتاب العلم، باب: فى طلب العلم لغير الله، ۳/۳۲۲، برقم ۳۶۶۴، وابن ماجه، فى المقدمة، باب الانتفاع بالعلم، ۱/۹۳، برقم ۲۵۲، وصححه الألبانى فى صحيح سنن ابن ماجه، ۱/۴۸).

الْعُلَمَاءُ وَلَا لِيُتَارُوا بِهِ السُّفَهَاءُ وَلَا تَخَيَّرُوا بِهِ الْمَجَالِسَ فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ فَالْأَنَارُ النَّارُ»^(۱)
 (علم را نیاموزید تا توسط آن به علماء فخر بفروشید و سفیهان را به سوال کردن،
 وادارید و در مجالس شاخص شوید، کسی که این عمل را انجام دهد، [مجازات
 وی] آتش جهنم است، آتش جهنم).

ابن مسعود رضی الله عنه گفته است: «علم را برای سه چیز فرا نگیرید: تا توسط آن در
 سفیهان سوال کردن ایجاد نمایید یا توسط آن با فقها بحث کنید یا توسط آن مردم
 را به سوی خودتان متوجه کنید و با سختان و عملتان آنچه نزد الله است را
 بخواهید، زیرا آن باقی است و تمامی غیر از آنچه در نزد وی است، از بین
 می‌رود»^(۲).

الله تعالی خوشبختی را برای کسی که برای الله تعالی عمل می‌نماید،
 تضمین نموده است، انس رضی الله عنه آورده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ كَانَتْ الْآخِرَةُ
 هِمَّهُ جَعَلَ اللَّهُ غِنَاهُ فِي قَلْبِهِ وَجَمَعَ لَهُ شَمْلَهُ وَأَتَتْهُ الدُّنْيَا وَهِيَ رَاغِمَةٌ وَمَنْ كَانَتْ
 الدُّنْيَا هِمَّهُ جَعَلَ اللَّهُ فَقْرَهُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَفَرَّقَ عَلَيْهِ شَمْلَهُ وَلَمْ يَأْتِهِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا مَا قُدِّرَ
 لَهُ»^(۳) (کسی که نیت کوششش برای آخرت باشد، الله بی‌نیازی او را در قلبش
 قرار می‌دهد و اطرافیان او را حول او جمع می‌نماید و دنیا را به او می‌دهد، در
 حالی که او از آن دور می‌باشد و کسی که نیت کوششش برای دنیا باشد، الله فقر

(۱) ابن ماجه ۹۳/۱، فی المقدمة، باب الانتفاع بالعلم والعمل به، ۹۳/۱، برقم ۲۵۴، وصححه الألبانی
 فی صحیح سنن ابن ماجه، ۴۸/۱، وصحیح الترغیب للآلبانی، ۲۶/۱، وفی الموضعین
 أحادیث أخرى.

(۲) الدررمی، ۷۰/۱ موقوفاً، وابن ماجه عن أبي هريرة، فی المقدمة، باب الانتفاع بالعلم والعمل به،
 ۹۶/۱، برقم ۲۶۰، وحسنه الألبانی فی صحیح ابن ماجه، ۴۸/۱، وصحیح الترغیب
 والترهیب، ۴۸/۱.

(۳) الترمذی، کتاب صفة القيامة، باب: حدثنا قتية، ۶۴۲/۴، برقم ۲۴۶۵، وابن ماجه بنحوه من حدیث
 زيد بن ثابت رضی الله عنه کتاب الزهد، ۱۳۷۵/۲، برقم ۴۱۰۵، وصححه الألبانی فی صحیح
 الجامع، ۳۵۱/۵، والأحادیث الصحيحة، ۹۵۰.

را بین دو چشم او قرار می‌دهد و اطرافیان وی را پراکنده می‌کند و به او چیزی از دنیا را نمی‌دهد، مگر آنچه تقدیر شده است).

مطلب دوم: انواع اعمالی که برای دنیا صورت می‌گیرد

عمل برای دنیا انواع گوناگونی دارد، امام محمد تمیمی از آنچه از پیشینیان رسیده است، چهار مورد را ذکر می‌کند:

نوع اول: اعمال صالحی وجود دارند که عده‌ی زیادی از مردم آن را برای رضایتمندی الله تعالی انجام می‌دهند، مانند: صدقه، نماز، نیکی کردم به مردم و رد نمودن ظلم و دیگر چیزهایی که انسان آن را انجام می‌دهد یا آن را ترک می‌نماید، در حالی که این کار را خالصانه برای الله تعالی انجام می‌دهد؛ ولی گاهی شخصی ثواب آخرت آن را نمی‌خواهد و فقط آن را انجام می‌دهد تا الله متعال توسط آن به او پاداشی مثل: حفظ مال و زیاد شدن آن یا حفظ خانواده و عیالش یا ادامه یافتن نعمتهایی که به او و خانواده‌اش داده می‌شود، دهد و نیت او برای انجام آنها طلب بهشت و فرار از آتش جهنم نمی‌باشد، به همین دلیل پاداش عملش در دنیا به او داده می‌شود و در آخرت هیچ چیزی نخواهد داشت. این از ابن عباس رضی الله عنهما روایت شده است.

نوع دوم: آن از اولی بزرگتر است و ترسناک‌تر می‌باشد، آن وقتی است که عمل صالح صورت می‌گیرد تا توسط آن نزد مردم ریا انجام پذیرد و آن برای آخرت انجام نمی‌گردد. آن از مجاهد رحمه الله تعالی روایت شده است.

نوع سوم: آن وقتی است که عمل صالحی انجام گیرد که هدف از انجام آن بدست آوردن مالی باشد، مانند کسی که برای دیگری حج می‌نماید، تا

مالی بدست آورد، هدف او رضایتمندی الله تعالی و بدست آوردن سرزمین آخرت نمی باشد، یا برای بدست آوردن مال دنیا هجرت می کند تا آن را بدست آورد، یا برای بدست آوردن غنیمت جهاد می کند، یا علم کسب می کند تا مدرکی بدست بیاورد و این که به جاه و مقام برسد و هرگز هدف او رضایتمندی الله تعالی نمی باشد، یا قرآن می آموزد و یا بر نمازش مواظبت می کند، تا توسط آن کاری در مسجد پیدا کند یا برای وظایف غیر دینی این کار را می کند و هرگز آن را برای بدست آوردن ثواب انجام نمی دهد.

نوع چهارم: عملی را برای اطاعت از الله تعالی انجام می دهد و در آن الله متعال را یکتا و بی شریک قرار می دهد، ولی عملی را انجام می دهد که باعث کافر شدن وی و خروج او از اسلام می شود، همان گونه که در نقض کننده های ایمان آن را بیان داشته ایم، این از انس^(ع) و دیگران روایت شده است^(۱).

مسلمان باید از چیزی که عملش را باطل می کند و خشمگینی و غضب الله متعال را بر وی قرار می دهد، برحذر باشد. تمامی مسلمانان باید از انواع این فساد برحذر باشند و به الله از آن پناه می بریم.

مطلب سوم: خطر ریا و آثارش

ریا خطری بزرگ برای فرد، جامعه و امت می باشد؛ زیرا آن، عمل

(۱) انظر: فتح المجید شرح کتاب التوحید، ص ۴۴۴. وتیسیر العزیز الحمید، ص ۵۲۶، والقول السدید فی مقاصد التوحید، للسعدی، ص ۱۲۶.

را باطل می‌گرداند و پناه بر الله ﷻ خطر آن در امور زیر آشکار می‌شود:

اول: توسط ریا، مسلمانان گرفتار امری می‌شوند که خطر آن از دجال بیشتر می‌باشد، پیامبر ﷺ فرموده است: «أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَا هُوَ أَخْوَفُ عَلَيْكُمْ عِنْدِي مِنَ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ»^(۱) (آیا شما را از چیزی باخیر سازم که از آن برای شما از مسیح دجال بیشتر می‌ترسم؟) گفت: گفتیم: بله، او فرمود: «الشُّرْكُ الْخَفِيُّ أَنْ يَقُومَ الرَّجُلُ يُصَلِّيَ فَيُزَيِّنُ صَلَاتَهُ لِمَا يَرَى مِنْ نَظَرِ رَجُلٍ» (شرکی خفی است به طوری که مردی نماز می‌خواند در حالی که به نمازش زینت می‌دهد تا مرد دیگری به او نگاه کند).

دوم: شدت کشته شدن توسط ریا از شدت کشته شدن گوسفند توسط گرگ بیشتر است، پیامبر ﷺ فرموده است: «مَا ذَنْبَانِ جَاءَتَانِ أُرْسِلَا فِي غَتَمِ أَفْسَدَ لَهَا مِنْ حِرْصِ الْمَرْءِ عَلَى الْمَالِ وَالشَّرَفِ لِدِينِهِ»^(۲) (آنچه که از دو گرگ که نزد گوسفندان روند تا آنها را هلاک کنند برای شخص فاسد کننده‌تر است از حرص شخص بر مالش و شرف پیدا کردن او توسط دینش می‌باشد).

این مثالی است که رسول الله ﷺ آن را بیان فرموده است تا روشن سازد که دین توسط حرص بر مال فاسد می‌شود، زیرا آن او را از مشغول شدن به اطاعت از الله تعالی باز می‌دارد و همچنین حرص داشتن برای بدست آوردن شرف دنیوی از طریق دین نیز باعث فساد می‌شود، زیرا هدف از آن ریا و طلب خوشنامی می‌باشد.

(۱) أخرجه ابن ماجه، كتاب الزهد، باب: الرياء والسمعة، ۱۴۰۶/۲، برقم ۴۲۰۴، وحسنه الألبانی فی صحیح سنن ابن ماجه، ۴۱۰/۲.

(۲) الترمذی، كتاب الزهد، باب: حدثنا سويد، برقم ۲۳۷۶، ۵۸۸/۴، وأحمد، ۲۵۶/۳، وصححه الألبانی فی صحیح سنن الترمذی، ۲۸۰/۲.

سوم: خطر ریا بر اعمال صالح خطری بزرگ می‌باشد، زیرا آن باعث از بین رفتن برکت و باطل شدن آن می‌گردد، پناه بر الله، الله تعالی می‌فرماید: ﴿كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِثَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾^(۱) (... به مانند کسی که مالش را از روی ریا به مردم انفاق می‌کند، در حالی که به الله و روز آخرت ایمان ندارد، مثل او به مانند سنگ صاف و بزرگی است است که بر روی آن خاکی وجود دارد و بارانی شدید بر آن می‌بارد و آن را سخت و صاف باقی می‌گذارد، [ریاکاران] نیز از آنچه بدست آورده‌اند سودی نمی‌برند و الله گروه کافران را هدایت نمی‌نماید).

این آثار ریا است که عمل صالح را پوچ می‌گرداند، آن وقت برای ریاکار قدرت و یاری وجود نخواهد داشت و نمی‌تواند تا آن را رد کند.

الله تعالی می‌فرماید: ﴿أَيُّدُ أَحَدِكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَّةٌ ضِعْفًا فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ﴾^(۲) (آیا کسی از شما دوست دارد تا برای او باغی از نخل و درخت انگور وجود داشته باشد که از زیر آن نهرها جاری است و برای او هر نوع میوه‌ای وجود دارد و در حالی که پیر شده است و فرزندانی ضعیف دارد، ناگهان گردبادی که در آن آتش وجود دارد بر آن بوزد و آن بسوزد؟ این چنین الله آیات را برای شما روشن می‌سازد، بلکه تفکر کنید).

این عمل صالح است که اصل آن به مانند باغ بزرگی است که

(۱) سورة البقرة، الآية: ۲۶۴.

(۲) سورة البقرة، الآية: ۲۶۶.

میوه‌های بسیاری دارد، آیا کسی از شما دوست دارد که این میوه‌ها و باغ بزرگ را داشته باشد، سپس ریا بر آن بوزد و در حالی که شخص شدیداً به آن نیاز دارد، آن را حقیقتاً پوچ گرداند؟!!

پیامبر ﷺ از پروردگارش روایت می‌کند: «أَنَا أُغْنِي الشُّرَكَاءَ عَنِ الشُّرْكِ مَنْ عَمِلَ عَمَلًا أَشْرَكَ فِيهِ مَعِيَ غَيْرِي تَرَكْتُهُ وَشِرْكُهُ»^(۱) (من از داشتن شریکانی در شراکت بی‌نیاز هستم، کسی که عملی را انجام دهد و همراه من کسی را در آن شریک گرداند، [عمل] او و شرکش را ترک می‌کنم [و کنار می‌گذارم]).

همچنین در حدیث آمده است: «إِذَا جَمَعَ اللَّهُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ، نَادَى مُنَادٍ: مَنْ كَانَ أَشْرَكَ فِي عَمَلٍ عَمِلَهُ لِلَّهِ أَحَدًا فَلْيَطْلُبْ ثَوَابَهُ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ أَغْنَى الشُّرَكَاءَ عَنِ الشُّرْكِ»^(۲) (وقتی الله اولین اشخاص و آخرین اشخاص [روی زمین] را در روز قیامت جمع می‌کند، روزی که شکی در آن نیست، ندا دهنده‌ای ندا می‌دهد: کسی که در انجام دادن عملی برای الله کسی دیگری را شریک گردانده باشد، پس ثواب آن را از غیر الله بخواهد و الله از داشتن شریک در شراکت بی‌نیاز است).

چهارم: باعث عذاب آخرت می‌شود؛ اولین کسانی که آتش جهنم ولی آنها آماده می‌شود: قرائت کننده قرآن مجاهد صدقه دهنده مال هستند [البته] وقتی که آن کار را انجام دادند تا گفته شود: فلاتی قرائت کننده قرآن است، فلاتی شجاع است و فلاتی بخشنده صدقه دهنده است و اعمال

(۱) مسلم، کتاب الزهد، باب: من أشرك في عمله غير الله، ۲۲۸۹/۴، رقم ۲۹۸۵.

(۲) الترمذی، کتاب تفسیر القرآن، باب: ومن سورة الکہف، ۳۱۲/۵، رقم ۳۱۵۴، من حدیث ابی سعید بن ابی فضالة الأصبغی، ولین ماجه، کتاب الزهد، باب لریله والسمع، ۱۴۰۶/۲، رقم ۴۲۰۳، وحسنه الألبانی فی صحیح الترغیب والترہیب، ۱۷/۱، وفی صحیح لترمذی، ۷۴/۳.

آنها برای الله تعالی خالص نمی‌باشد.^(۱)

پنجم: ریا باعث ذلالت، خواری، پستی و آبرو ریزی است، پیامبر ﷺ فرموده است: «مَنْ سَمِعَ سَمْعَ اللَّهِ بِهِ، وَمَنْ يُرَآئِي يُرَآئِي اللَّهَ بِهِ»^(۲) (کسی که برای به شهرت رسیدن [عملی را انجام دهد] الله دستش را رو می‌کند و کسی که برای ریاکاری [عملی را انجام دهد] الله او را رسوا می‌کند).

ششم: ریا ثواب آخرت را حرام می‌کند، پیامبر ﷺ فرموده است: «بَشِّرْ هَذِهِ الْأُمَّةَ بِالسَّيِّئِ وَالرَّفْعَةِ وَالنَّصْرِ وَالتَّمَكُّنِ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ عَمِلَ عَمَلِ الْآخِرَةِ لِلدُّنْيَا لَمْ يَكُنْ لَهُ فِي الْآخِرَةِ نَصِيبٌ»^(۳) (این امت را به بالا بودن منزلت، والایی، یاری و پیروزی و بالا رفتن مقام بر روی زمین بشارت بده! کسی که عمل آخرت را برای دنیا انجام دهد، در آخرت نصیبی نخواهد داشت).

هفتم: ریا باعث شکست امت می‌گردد، پیامبر ﷺ فرموده است: «إِنَّمَا يَنْصُرُ اللَّهُ هَذِهِ الْأُمَّةَ بِضَعِيفَتِهَا بِدَعْوَتِهِمْ وَصَلَاتِهِمْ وَإِخْلَاصِهِمْ»^(۴) (الله این امت را فقط با ضعیفان‌شان یاری می‌دهد و پیروز می‌گرداند، با دعایشان و نمازشان و اخلاصشان). این حدیث روشن می‌سازد که دلیل یاری و نصرت این امت بر دشمنانش، اخلاص برای الله تعالی می‌باشد و ریا باعث شکست امت می‌شود!

(۱) انظر: الحديث في صحيح مسلم، كتاب الإمامة، باب من قاتل للرياء والسمعة استحق النار، ۱۵۱۴/۳، برقم ۱۹۰۵.

(۲) متفق عليه: البخاری، كتاب الرقاق، باب الرياء والسمعة، ۲۴۲/۷، برقم ۶۴۹۹. ومسلم، كتاب الزهد، باب من أشرك في عمله غير الله، ۲۲۸۹/۴، برقم ۲۹۸۶.

(۳) مسند أحمد، ۱۳۴/۵، والحاكم، ۴۱۸/۴، وصححه الألبانی في صحيح الترغيب، ۱۵/۱.

(۴) رواه الثعالبی بلفظه، كتاب الجهاد، باب الاستمرار بالضعيف، ۴۵/۶، برقم ۳۱۷۸، وأصله في صحيح البخاری، كتاب الجهاد والسير، باب من استعان بالضعفاء والصالحين في الحرب، ۲۹۶/۳، برقم ۲۸۹۶، وصححه الألبانی في صحيح الترغيب، ۶/۱.

هشتم: ریا گمراهی را زیاد می‌کند، الله تعالی درباره‌ی منافقین می‌فرماید: ﴿يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ﴾ * ﴿فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ﴾ ^(۱) (الله و کسانی که ایمان آورده‌اند را فریب می‌دهند و کسی را فریب نمی‌دهند، مگر خودشان را و [لی آن را] احساس نمی‌کنند * در قلبهایشان مرض وجود دارد و الله مرض آنها را می‌افزاید و برای آنها عذاب دردناکی است به واسطه دروغی که می‌گویند).

مطلب چهارم: انواع ریا و ریزه‌کاری‌های آن

انواع ریا زیاد می‌باشد از آنها به الله پناه می‌بریم و انواع آن بدین گونه می‌باشد:

اول: مقصود بنده، کسی غیر الله تعالی می‌باشد و می‌خواهد و دوست دارد که مردم او را بشناسند و هدف او به طور مطلق اخلاص نمی‌باشد، به الله از آن پناه می‌بریم و این نوعی از نفاق است.

دوم: هدف و خواسته‌ی بنده، الله متعال می‌باشد و اگر مردم از عبادت او مطلع گردند، نشاط پیدا می‌کند و آن عبادت را نیک می‌گردانند، این شرک خفی است، پیامبر ﷺ فرموده است: «إِيَّهَا النَّاسُ إِنِّي كُفْتُكُمْ وَشِرْكَ السَّرَائِرِ» (ای مردم! شما را بر حذر می‌دارم از شرک خفی)، گفتند: ای رسول الله! شرک خفی چیست؟ فرمود: «يُقِيمُ الرَّجُلُ فِصْلِي فَيُزِينُ صَلَاتَهُ جَاهِدًا لِمَا يَرَى مِنْ تَغْيِيرِ النَّاسِ إِلَيْهِ ، فَذَلِكَ شِرْكَ السَّرَائِرِ» ^(۲) (مردی نماز می‌خواند و نمازش را نیکو جلوه

(۱) سورة البقرة، الآيات: ۹-۱۰.

(۲) أخرجه ابن خزيمة في صحيحه، ۶۷/۲، برقم ۹۳۷، وأخرجه البيهقي في السنن، ۲۹۱/۲، وحسنه

می‌دهد در حالی که کوشش می‌کند که مردم به او نگاه نکنند، این شرک خفی است).

سوم: بنده در عبادت الله متعال داخل می‌گردد و از آن خارج می‌گردد، توسط آن شناخته شده و ستایش می‌گردد و قلبش با آن ستایش آرامش می‌یابد، نفسش آرزو می‌کند تا ستایش شود و تمجید گردد و این عمل او به خواسته‌ی دنیایی داشتن، نزدیک‌تر است و این امر شادی و رغبت او را در آن عمل زیاد می‌کند و رسیدن به هدفش دلیل بر ریای خفی می‌باشد.

چهارم: این ریای بدنی است؛ مانند کسی که زردی و لاغری خود را آشکار می‌گرداند تا مردم، فکر کنند که انجام دهنده‌ی آن عبادت، ترس از آخرت بر وی غلبه پیدا کرده است.

همچنین با کم کردن صدا و شل کردن لبها طوری وانمود کند که مردم فکر کنند او روزه‌دار است.

پنجم: ریا در لباس پوشیدن؛ مانند کسی که لباس وصله‌دار می‌پوشد، تا مردم بگویند: او نسب به دنیا بی‌اعتناست، یا کسی که لباس خاصی را بپوشد که و هدف او این باشد که مردم او را از گروه خاصی بدانند، به مانند کسی که لباس علماء را می‌پوشد که گفته شود: فلانی عالم است.

ششم: ریا در سخن گفتن؛ اغلب این ریا توسط اهل دین در پند دادن و یادآوری، حفظ نمودن تقلیات و آثار، ایجاد می‌گردد؛ به سبب محاوره، مجادله، مناظره و اظهار زیاد بودن علم حاصل می‌گردد.

هفتم: ریا در عمل: به مانند نمازگزاری که نماز، رکوع، سجود و آشکار کردن خشوع را زیاد می گرداند و همچنین روزه، حج و صدقه‌ی خود را به نمایش می گذارد.

هشتم: ریا در همنشینی و دیدار: مانند کسی که به دیدن عالمی می رود تا گفته شود: فلانی به دیدار فلان عالم رفته است. مردم را دعوت می کند تا به دیدن وی بروند، تا گفته شود: اهل دین به نزد وی می روند.

نهم: ریا در نکوهش خود در بین مردم: آن را انجام می دهد تا مردم بگویند: فلانی متواضع است و نزد آنها مقامش بالا رود و او را به خاطر آن مدح نمایند، این از ریزه کاری های انواع ریا می باشد.

دهم: از ریزه کاری ها و مسائل مخفی ریا این است که عمل کننده اطاعتش را مخفی می دارد تا کسی از آن مطلع نگردد و با آشکار کردن اطاعتش خوشحال نمی شود، ولی او دوست دارد که وقتی مردم او را می بینند، اول آنها به او سلام دهند و با خشورویی و صبور بودن او را بوسه زنند و توسط آن وی ستایش شود، برای برطرف کردن نیازهایش شادمان گردند و در خرید و فروش با وی مسامحه کنند، و اگر امر این گونه نباشد، در درونش دردی حس می کند، به مانند آن که وی [دوست دارد] برای اطاعتی که مخفیانه انجام می دهد، مورد احترام قرار گیرد.

یازدهم: از ریزه کاری های ریا این است که اخلاص وسیله ای قرار گیرد که توسط آن خواسته ها برآورده می شود، شیخ الإسلام ابن تیمیة گفته است: «از ابو حامد غزالی حکایت شده است که به وی رسید که کسی که برای الله چهل روز اخلاص داشته باشد، حکمت از قلبش به زبانش آورده می شود. گفت: چهل روز اخلاص داشتم و چیزی به جایی نرسید، آن را نزد بعضی از عارفان بیان نمودم، [یکی از آنها] به من گفت: تو برای حکمت اخلاص یافته ای و برای الله

خالص نگشته‌ای»^(۱)، این وقتی است که مقصود انسان رسیدن به بردباری و حکمت است، یا رسیدن به بزرگداشتن شدن توسط مردم و ستایش آنها از وی، یا چیزهای خواسته شده‌ای مانند آن. توسط این امور اخلاص برای الله تعالی و جلب رضایتمندی وی، حاصل نمی‌گردد و فقط چیزی حاصل می‌گردد که در واقع هدف همان بوده است.

مطلب پنجم: اقسام ریا و اثر آنها بر عمل

ریا، به الله تعالی پناه می‌بریم از آن، دارای اقسام و درجاتی می‌باشد، شایسته‌ی هر مسلمان است که اقسام آن را بشناسد، تا بتواند با آن وارد جنگ گردد؛ آنها بدین گونه هستند:

اول: عمل ریای محض باشد و هدفی در آن وجود نداشته باشد، مگر آن که دیگران آن عبادت را ببینند، مانند وضع و حال منافقین؛ الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالً يُرَآؤُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا﴾^(۲) (و وقتی برای نماز می‌ایستند، با کسالت این کار را انجام می‌دهند، نزد مرد ریا می‌کنند و الله را یاد نمی‌کنند، مگر کمی)، این ریای محض می‌باشد و نزدیک شدن به آن توسط مؤمن در اعمال واجب مثل نماز و روزه، مقبول نمی‌باشد، همچنین در صدقه‌ی واجب و حج و دیگر اعمال ظاهری، در باطل بودن این عمل شکی وجود ندارد و کسی که آن را انجام دهد مستحق خشم الله ﷻ و

(۱) انظر: درم تعارض العقل والنقل لابن تیمیة، ۶۶/۶، و منهاج الفاصدين، ص ۲۱۴-۲۲۱، والإخلاص للعوامنة، ص ۲۴، والإخلاص والترك الأصغر للدكتور عبد العزيز بن عبد اللطيف، ص ۹، والرياء لسليم الهاللي، ص ۱۷.

(۲) سورة النساء، الآية: ۱۴۲.

مجازانش می‌باشد. پناه بر الله!

دوم: عمل برای الله تعالی صورت می‌پذیرد ولی ریا در اصل آن -
اول آن تا آخر آن- چیز دیگری شریک قرار داده می‌شود، خصوص صحیحی
وجود دارد که دلالت بر باطل بودن آن عمل و بوج شدن آن، می‌کنند.
سوم: اصل عمل برای الله تعالی می‌باشد، سپس نیت ریا در گوشه‌ای
از آن انجام می‌گیرد، این عبادت دو امر را در بر دارد:

۱- اول عبادت به آخر آن مربوط نمی‌باشد، اول آن کاملاً در هر
حالتی صحیح است و آخر آن باطل می‌باشد. مانند: نزد انسانی بیست ریال وجود
دارد، می‌خواهد تا آن را صدقه دهد، ده ریال آن را خالصانه برای الله تعالی صدقه
می‌دهد، سپس در ده ریال بعدی دچار ریا می‌شود، صدقه‌ی اول صحیح و قابل
قبول است و صدقه‌ی دوم باطل است زیرا ریا با اخلاص در آمیخته است.
۲- اول عبادت به آخر آن مرتبط است و این فقط در دو امر صورت می‌-
پذیرد:

امر اول: این ریا در فکر ایجاد می‌گردد، سپس انسان آن را دفع
می‌نماید و به آن راضی نمی‌گردد و از آن روی برگردانده و کراهت می‌ورزد، در
این حالت است که آن ریا به وی ضرر نمی‌رساند، زیرا پیامبر ﷺ فرموده است:
«إِنَّ اللَّهَ تَجَاوَزَ لَأُمَّتِي مَا حَدَّثْتُ بِهِ أَنْفُسَهَا مَا لَمْ يَتَكَلَّمُوا أَوْ يَعْمَلُوا بِهِ»^(۱) (الله از
امت من بر این که چیزی در درونشان وجود داشته باشد، در می‌گذرد؛ به شرط
آن که آن را به زبان نیاورده باشند و به آن عمل نکرده باشند).

امر دوم: ریا با او انس می‌گیرد و توسط آن به اطمینان خاطر
می‌رسد، آن را دفع نکرده و دوستش می‌دارد و این باعث می‌شود تا تمامی

(۱) مسلم، کتاب الإيمان، باب: تجاوز الله عن حديث النفس والخواطر بالقلب إذا لم تستقر، ۱/۱۱۶،
برقم ۱۲۷.

عبادت باطل گردد؛ زیرا اول آن به آخر آن مربوط می‌باشد، مثال این مورد: شخصی نمازش را خالصانه برای الله تعالی شروع می‌کند، سپس ریا در رکعت دوم آن داخل گشته و نماز گذار به آن انس می‌گیرد و تا آخر نماز آن را ادامه می‌دهد، تمامی نماز باطل می‌شود، چون اول آن به آخر آن مربوط می‌باشد^(۱).

چهارم: ریا بعد از تمام شدن عبادت انجام می‌پذیرد^(۲).

اما اگر مسلمان عملی را خالصانه برای الله تعالی انجام می‌دهد، سپس الله متعال به خاطر آن، او را در قلب مؤمنان مورد ستایش قرار می‌دهد، در نتیجه مؤمن از بخشش و رحمت الله متعال شاد می‌شود و توسط آن به وی بشارت داده می‌شود، این ریا ضرری به او نمی‌رساند. از رسول الله ﷺ درباره‌ی مردی که عملی از اعمال خیر را برای الله تعالی انجام می‌دهد، سپس مردم او را مورد ستایش قرار می‌دهند، سوال نمودند، او فرمود: «تِلْكَ عَاجِلُ بُشْرَى الْمُؤْمِنِ»^(۳) (این بشارت نزدیک برای مؤمن است).

مطلب ششم: سبب‌های ریا و چیزهایی که آن را دفع می‌کند.

اصل ریا، دوست داشتن جاه و مقام می‌باشد، کسی که دوست داشتن این موارد در قلبش جای داشته باشد، کوشش او بر بدست آوردن تأیید مخلوقات قرار می‌گیرد، از جلب نظر آنها شاد می‌گردد و برای آن که آنها از او

(۱) انظر: هذه الأقسام بالتفصيل فی جامع العلوم والحکم لاین رجب، ۷۹/۱-۸۲، وفتح المجید، ص ۲۳۸، وفتاوی این عتیمین، ۲۹/۲.

(۲) انظر: فتاوی این عتیمین، ۳۰/۲.

(۳) مسلم، کتاب البر والصلة والآداب، ۲۰۳۲/۴، برقم ۲۶۴۲.

ستایش کنند به مراعات اعمالش می‌پردازد، سخنان، اعمال و کارهایش برای بزرگ شدن نزد مردم صورت می‌پذیرد، این همان اصل بیماری و بلا می‌باشد؛ در نتیجه کسی که به آن رغبت داشته باشد، در عبادات احتیاج به ریا پیدا می‌کند و اوامری که از او خواسته شده است تا آنها را انجام دهد را کوچک می‌شمارد.

این امری پوشیده است که کسی آن را نمی‌شناسد، مگر عالمان به الله تعالی، کسانی که او را می‌شناسند و دوست داشتن چیزی توسط آنها فقط علش آن است که الله تعالی آن چیز را دوست می‌دارد.

برای توضیح دادن به این مریضی مهلک به سه اصل باز می‌گردیم:
اول: دوست داشتن لذت ستوده شدن و مورد ستایش و مدح قرار گرفتن.

دوم: فرار از نکوهش شدن.

سوم: طمع داشتن به آنچه نزد مردم است^(۱).

شاهد آن حدیثی است که ابو موسی اشعری رضی الله عنه آن را بیان داشته است، گفته است: مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: آیا کسی می‌تواند از روی شجاعت بجنگد و [یا] از روی تعصب بجنگد و [یا] از روی ریا بجنگد، کدامیک از آنها [جهاد] در راه الله می‌باشد؟ فرمود: «مَنْ قَاتَلَ لَتَكُونَ كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا فَهُوَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»^(۲) (کسی که برای این بجنگد که سخن الله تعالی بالاتر است [و باید اجرا شود، فقط] آن در راه الله است).

(۱) انظر: مختصر منهاج القاصدين لابن قدامة، ص ۲۲۱-۲۲۲.

(۲) متفق عليه: البخاری، کتاب الجهاد والسير، باب من قاتل لتكون كلمة الله هي العليا، ۲۷۲/۳، برقم ۲۸۱۰، ومسلم، کتاب الصلاة، باب من قاتل لتكون كلمة الله هي العليا فهو في سبيل الله، ۱۵۱۲/۳، برقم ۱۹۰۴.

سخنش ﷺ: از روی شجاعت بجنگد، یعنی یاد آورده شود و از او تشکر شود و مورد مدح و ستایش قرار بگیرد.

سخنش ﷺ: از روی تعصب بجنگد به معنای آن است که کسی سختش باشد که بر او غلبه صورت پذیرد و جیرگی بر او انجام گیرد و در نتیجه‌ی آن شکست، مورد مذمت قرار بگیرد.

سخنش ﷺ: از روی ریا بجنگد، به این معناست که مکان آن را به لذتی در قلبها برای رسیدن به جاه و مقام ببیند.

گاهی انسان به ستایش شدن رغبت پیدا می‌کند، ولی گاهی از نکوهش شدن جلوگیری می‌کند، مانند ترسویی بین شجاعان، در این حالت است که او ثابت قدم می‌گردد و فرار نمی‌کند، تا مورد مذمت و نکوهش قرار نگیرد و گاهی انسان از ترس آن که به خاطر جهلش او را نکوهش کنند، فتوا می‌دهد. این امور سه گانه است که به ریا تحریک می‌کنند و به سوی آن دعوت می‌نمایند، پس از آنها برحذر باشیم!

مطلب هفتم: راه‌های کسب اخلاص و درمان ریا

به طور قطع مشخص گردید که ریا عمل را باطل می‌کند و باعث غضب الله تعالی و خشمگینی وی می‌شود و آن از هلاک کننده‌ها است و برای مسلمان خطری بزرگتر از مواجهه با مسیح دجال به وجود می‌آورد.

در این حال است که باید در از بین بردن آن و درمان کردن آن کوشش جدی و سریعی را انجام دهیم و اصل و فرع آن را از بین ببریم. این درمانی که توسط آن ریا از بین می‌رود و اخلاص به اذن الله تعالی حاصل می‌شود

شامل موارد زیر است:

اول: شناخت انواع عمل برای دنیا و انواع ریا و اقسام آن و چیزهایی که آن را دفع می‌کنند و سبب‌هایی که آن را از بین می‌برند و رگ و بی آن را قطع می‌کنند، این دفع‌کننده‌ها و سبب‌ها در قیل بیان شد.

دوم: شناخت عظمت الله تعالی، با شناختن: اسمهایش، صفاتش و افعالش، معرفتی صحیح که بر اساس فهم درست از قرآن و سنت باشد و بر مذهب اهل سنت و جماعت قرار گیرد؛ اگر بنده بداند که الله تعالی به تنهایی کسی است که به او نفع و ضرر می‌رساند و به تنهایی عزت می‌بخشد و ذلیل می‌گرداند، پایین می‌آورد و بالا می‌برد، عطا می‌کند و منع می‌نماید، زنده می‌کند و می‌میراند و چشم خیانت‌کار را می‌شناسد و آنچه در سینه‌ها مخفی می‌شود را می‌داند، وقتی این را فهمید و دانست که الله تعالی کسی است که به تنهایی مستحق عبادت است و شریکی ندارد، در این حالت است که به اخلاصی صادقانه دست می‌یابد. گریزی نیست که شناخت انواع توحید به شکلی صحیح باید صورت پذیرد.

سوم: شناخت آنچه الله تعالی در سرزمین آخرت از نعمت، عذاب، حالت‌های مرگ و عذاب قبر مهیا ساخته است؛ وقتی بنده این را شناخت و اگر شخص عاقلی باشد، از ریا به سوی اخلاص فرار می‌کند.

چهارم: ترس از انجام دادن عمل آخرت برای دنیا و این که ریا عمل را باطل می‌کند؛ کسی که از امری بترسد از آن خودداری می‌کند و از آن نجات می‌یابد؛ کسی که بترسد، شبانه سیر می‌کند و کسی که شبانه سیر کند به هدف می‌رسد.

شایسته شخص است، بلکه بر وی واجب است تا وقتی به آفت دوست داشتن ستایش و مدح شدن، گرفتار می‌شود، آفت‌های ریا را برای خود یادآوری کند و خود را از خشمگینی الله تعالی حفظ نماید و کسی که نیازمندی

مردم و ضعیف بودن آنها را بشناسد، [از این مریضی] راحت می‌شود، همان گونه که بعضی از پیشینیان^(۱) گفته‌اند: «در درونت کوشش کن تا اسباب دفع کردن ریا در تو به وجود آید، حریص باش به گونه‌ای که انسانها نزد تو مانند چهارپایان و بچه‌ها باشند تا برای تو فرقی نداشته باشد که در هنگام عبادت تو در حاضر باشند یا غایب از آن آگاهی داشته باشند یا آن را ندانند و به این که الله تعالی به شکلی یکتا از آن باخبر باشد، قناعت کن!»^(۱).

الله را به تنهایی [بشناس] سپس از باطل شدن عملت بترس، این امر باعث می‌شود تا اهل علم و ایمان از ریا و باطل شدن عمل نجات یابند، محمد بن لبید^(۲) آورده است که پیامبر^(ص) فرمود: «إِنْ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمُ الشِّرْكَ الْأَصْغَرُ» (از بیشترین چیزی که برای شما از آن می‌ترسم، شرک اصغر است)، گفتند: شرک اصغر چیست ای رسول الله؟! فرمود: «الرِّيَاءُ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِذَا جُزِيَ النَّاسُ بِأَعْمَالِهِمْ أَذْهَبُوا إِلَى الَّذِينَ كُنْتُمْ تَرَاءُونَ فِي الدُّنْيَا فَاَنْظُرُوا هَلْ تَجِدُونَ عَنْدهُمْ جَزَاءً» (ریا، الله^(ج) در روز قیامت وقتی مردم به اعمالشان پاداش و مجازات داده می‌شوند، می‌فرماید: به نزد کسانی که در دنیا ریا می‌کردند بروید و ببینید آیا پاداشی نزد آنها باقی مانده است)^(۲).

از روی این خطر بزرگ، صحابه^(ع) و تابعین و اهل علم و ایمان از این بلای خطرناک می‌ترسند. مثالهای زیر برای این امر آمده است:

۱- الله تعالی می‌فرماید: «وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَى رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ»^(۳) (و کسانی که آنچه را که باید بدهند می‌دهند، در حالی که قلبشان ترسان و هراسان است از این که به سوی پروردگارشان بازگردند)، عایشه رضی الله عنها گفت: ای رسول الله! آیا او کسی است که زنا می‌کند و دزدی

(۱) انظر: الإخلاص والشرك الأصغر، ص ۱۵.

(۲) أحمد فی المستد، ۴۲۸/۵، وصححه الألبانی فی صحیح الجامع، ۴۵/۲.

(۳) سورة المؤمنون، الآية: ۶۰.

می‌نماید و شراب می‌نوشد؟ فرمود: «لَا يَا بِنْتَ أَبِي بَكْرٍ (أَوْ يَا بِنْتَ الصَّدِيقِ) وَلَكِنَّهُ الرَّجُلُ يَصُومُ وَيَتَصَدَّقُ وَيُصَلِّي وَهُوَ يَخَافُ أَنْ لَا يُتَقَبَّلَ مِنْهُ»^(۱) (نه ای دختر ابوبکر (یا ای دختر صدیق) آن مردی است که روزه می‌گیرد و صدقه می‌دهد و نماز می‌خواند، در حالی که می‌ترسد که از وی قبول نشود).

۲- این ابی مُلیکة گفته است: «سی نفر از اصحاب پیامبر ﷺ را دیدم، تمامی آنها از تفاق خودشان می‌ترسیدند و حتی یکی از آن نمی‌گفت: ایمان او به حد جبرئیل و میکائیل می‌باشد»^(۲).

۳- ابراهیم تیمی گفته است: «سخنم را به عملم عرضه نکردم مگر آن که ترسیدم که دروغ گفته باشم»^(۳).

۴- آمده است که حسن [هصری گفته] است: «کسی از آن نمی‌ترسد، مگر مؤمن و کسی از آن ایمن نمی‌گردد، مگر منافق»^(۴).

۵- عمر بن خطاب به حذیفه رضی الله عنهما گفت: «تو را به الله قسم می‌دهم، آیا پیامبر ﷺ نام مرا در بین آنها - یعنی منافقینی [که پیامبر ﷺ نام آنها را به حذیفه ﷺ گفته بود] - یاد فرمود؟» او جواب داد: خیر ولی کسی را

(۱) ابن ماجه، کتاب الزهد، باب: التوفی فی العمل، ۱۴۰۴/۲، برقم ۴۱۹۸، والترمذی، کتاب تفسیر القرآن، باب: ومن سورة ((المؤمنون))، ۳۲۷/۵، برقم ۳۱۷۵، وصححه الألبانی فی سلسلة الأحادیث الصحيحة، برقم ۱۶۲، وفي صحيح ابن ماجه، ۴۰۹/۲.

(۲) البخاری مع التفتح، ۱۱۰/۱، قال ابن حجر: وصله ابن أبي خنيفة فی تاريخه لقطر: فتح الباری، ۱۱۰/۱.

(۳) البخاری مع التفتح، وقال ابن حجر: وصله المصنف فی التاريخ. انظر: فتح الباری، ۱۱۰/۱.

(۴) البخاری مع التفتح، وقال ابن حجر: وصله جعفر القریابی فی کتاب صفة المنافقین، وصححه. انظر: التفتح، ۱۱۱/۱.

بعد از تو به پاکی یاد نمی‌کنم [و نمی‌گویم او منافق نیست]^(۱).

۶- ابودرداء رضی الله عنه گفته است: «یا الله! به تو پناه می‌برم از خشوع منافقانه» گفته شد: خشوع منافقانه چیست؟ فرمود: «حالتی است که بدن در خشوع دیده می‌شود و قلب خاشع نمی‌باشد»^(۲).

۷- ابودرداء رضی الله عنه گفته است: «اگر به یقین برسم که یکی از نمازهایم، قبول شده است برای من دوست داشتنی‌تر از دنیا و آنچه در آن است می‌باشد، الله می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ﴾»^(۳) (الله فقط از پرهیزکاران قبول می‌کند)».

۸- عبد الرحمن بن ابی لیلی گفته است: «صد و بیست نفر از انصار رضی الله عنهم از اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله را دیده‌ام، هر کدام از آن سوالی از وی پرسیده می‌شد و کسی از آنها نبود، مگر آن که دوست داشته باشد که برادرش برای او کافی باشد»^(۴).

پنجم: فرار از نکوهش الله تعالی؛ زیرا از سبب‌های ریا فرار از نکوهش مردم است، ولی عاقل می‌داند که فرار از نکوهش الله متعال سزاوارتر است؛ زیرا نکوهش او خواری و زشتی می‌باشد، همان گونه که مردی به رسول الله صلی الله علیه و آله گفت: ستایش شدن توسط چه کسی برای من زیاست و نکوهش او برای

(۱) ابن کثیر بنحوه، فی البدایة والنهاية، ۱۹/۵، وانظر: صفات المنافقين لابن القيم، ص ۳۶.

(۲) ذکره ابن القيم فی صفات المنافقين، ص ۳۶.

(۳) ذکره ابن کثیر فی تفسیره، ۴۱/۲، وعزاه إلى ابن أبي حاتم، والآية: ۲۷ من سورة المائدة.

(۴) الدارمی فی سننه، ۵۳/۱، وابن المبارك فی الزهد، ۱۴۰/۱، برقم ۴۹.

من زشت است؟ او فرمود: «ذَاكَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ» (او الله عزوجل است)^(۱).

شکی وجود ندارد که اگر بنده از مردم بترسد و برای رضایتمندی آنها خشم الله متعال را برای خود برگزیند، الله تعالی بر وی خشمگین می‌شود و بر وی غضب می‌نماید و مردم [نیز] بر وی خشمگین می‌شوند. آیا شما از غضب مردم می‌ترسید؟ اگر راستگو باشید، الله برای ترسیدن سزاوارتر است.

ششم: شناخت چیزی که شیطان از آن فرار می‌کند؛ زیرا شیطان سرچشمه‌ی ریا است و از امور بسیاری فرار می‌کند، از آنها: اذان، قرائت قرآن، سجده‌ی تلاوت، پناه برده به الله تعالی از او، یاد آوردن الله تعالی هنگام خروج از خانه و داخل شدن به مسجد به شکلی که دین آن را یاد داده است، محافظت از اذکار صبح و شام^۲ و اذکار بعد از نماز و تمامی اذکاری که در قرآن و سنت به آنها توصیه شده است^(۳).

هفتم: زیاد کردن انجام داده اعمال خیر و عبادت‌هایی که دیده نمی‌شود و پنهان نمودن آنها، مانند: نماز شب، صدقه‌ی پنهانی، گریه کردن فقط از روی خشیه‌ی^۴ از الله تعالی، نمازهای سنت و نافله و دعای برای برادر ایمانی در خفی. الله عزوجل بنده‌ای که پنهانکارانه تقوا دارد را دوست می‌دارد، سعد بن ابی

(۱) أحمد فی المسند، ۴۸۸/۳، ۳۹۴/۶، من حدیث الأقرع بن حابس ؓ، وإسناده حسن، ورواه الترمذی وحسنه، برقم ۳۲۶۳.

۲ - برای اطاعات بیشتر درباره‌ی اذکار صبح و شام که اثر شدیدی بر زندگی انسان، مخصوصاً بیماری‌های روانی‌شکی دارد، می‌توانید به کتاب پناهگاه مسلمان چاپ انتشارات حرمین رجوع کنید. (مترجم)

(۳) انظر التفصیل فی ذلک: کتاب مقامع الشیطان فی ضوء الکتاب والسنة لسلم الهلالی، وهو مهم جداً، والإخلاص لحسین العوايشة، ص ۵۷-۶۳.

۴ - خنیه به ترسی می‌گویند که از روی ایهت و عظمت چیزی حاصل گردد. (مترجم)

وقاصؑ آورده است که رسول الله ﷺ فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْعَبْدَ التَّقِيَّ الْغَنِيَّ الْخَفِيَّ»^(۱) (الله بنده‌ای که پرهیزکار، بی‌نیاز و پنهانکار باشد، را دوست می‌دارد).

هشتم: عدم توجه به نکوهش و ستایش مردم؛ زیرا آن سود و ضرری ندارد، بلکه واجب است که ترس از نکوهش الله تعالی باشد و شادی با بخشش الله متعال بدست می‌آید، الله ﷻ می‌فرماید: «قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ»^(۲) (بگو: به فضل و رحمت او (الله متعال) است که باید شادمان گردند، آن از آنچه جمع نموده‌اند، بهتر است).

ای بنده‌ی الله تعالی! مدح و ستایش را قبول کن و آنچنان که عاشقان دنیا نسبت به آخرت بی‌تفاوت هستند، نسبت به آن دو بی‌تفاوت باش، اگر در این امر استقامت بورزی، اخلاص برایت راحت می‌شود.^(۳)

بی‌اعتنایی نسبت به دوست داشتن مدح و ستایش آسان می‌شود وقتی که علم یقین حاصل شود که مدح و ستایش کسی به انسان نفع نمی‌رساند و نکوهش و سرزنش آنها، ضرری نمی‌رساند، مگر الله تعالی به تنهایی، نسبت به ستایشی که تو را زیبا نمی‌کند و نکوهشی که تو را زشت نمی‌کند، بی‌تفاوت باش، و نسبت به ستایشی که آن ستایش تمام زیبایی‌ها را به تو می‌دهد و نکوهشی که تمام زشتی‌ها را به تو می‌رساند، رغبت نشان بده! آن مقدر نمی‌شود، مگر با صبر و یقین؛ کسی که صبر و یقین نداشته باشد، مانند کسی است که می‌خواهد در

(۱) مسلم، کتاب الزهد، ۴/۲۲۷۷، برقم ۲۹۶۵.

(۲) سوره یونس، الآية: ۵۸.

(۳) الفوائد لابن القيم، ص ۶۷.

دریا سفر کند در حالی که کشتی ندارد^(۱).

به کسی که تو را نکوهش می‌کند، بنگر که اگر راستگو بود و هدف او خیرخواهی باشد، هدیه و خیرخواهی او را قبول کن! او کسی است که عیوب تو را به تو نشان داده است؛ ولی اگر دروغگو بود به خودش ظلم کرده است و تو با سخن او منفعت برده‌ای؛ زیرا چیزی را به تو آموخته است که تو آن را می‌دانستی و خطایابی از تو را به تو معرفی کرده است که آنها را فراموش نموده بودی. اگر آن عیبجویی دروغی در مورد تو بود، تو از آن عیب خالی می‌باشی ولی عیوب دیگری داری، پس این نعمت الله تعالی را شکر کن که این شخص افترا زنده از عیوب تو مطلع نگردید و اگر در برابر این افترا صبور باشی و نیت کسب پاداش داشته باشی، باعث بخشیده شدن گناهات می‌گردد و بر تو واجب است بدانی که این جاهل به خودش ظلم کرده است و خود را در معرض خشم الله تعالی قرار داده است؛ بهتر از وی باش و عفو کن و درگذر و برای او طلب آمرزش نما! ﴿أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾^(۲) (آیا دوست ندارید که الله شما را ببامرزد و الله بسیار آمرزنده و دائماً رحمت کننده است).

نهم: مرگ را به یاد بیاور و آرزو را کوتاه کن! الله تعالی می‌فرماید: ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّقُونَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ﴾^(۳) (هر شخصی طعم مرگ را می‌چشد و فقط در روز قیامت پاداش‌هایشان به طور کامل داده می‌شود، پس کسی که از آتش جهنم نجات پیدا کند و داخل بهشت گردد، همانا رستگار

(۱) انظر: القوائد لابن القيم، ص ۲۶۸.

(۲) سوره‌التور، الآية: ۲۲.

(۳) سوره آل عمران، الآية: ۱۸۵.

شده است و زندگی دنیوی چیزی جز کالای فریفته نیست)، همچنین می‌فرماید: ﴿وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾^(۱) (و کسی نمی‌داند که در فردای [خود] چه چیزی را کسب می‌کند و کسی نمی‌داند که در کدامین سرزمین خواهد مُرد، الله بسیار دانا و بسیار باخبر است).

دهم: ترس از پایان زندگی به بدی (سوء خاتمه)، بر بنده واجب است که بترسد که ریا پایان اعمال او باشد و نهایت زندگی او قرار گیرد، زیرا در این صورت دچار ضرر سنگین و بزرگی می‌شود؛ زیرا انسان روز قیامت در حالی مبعوث می‌گردد که بر آن حال مُرده باشد و مردم بر اساس نیت‌هایشان پراکنده می‌شوند و بهترین اعمال، اعمالی هستند که در انتهای زندگی صورت گیرند.

یازدهم: همنشینی با اهل اخلاص و تقوا؛ همنشین مخلص خیر را از شما دور نمی‌کند و او را اسوه‌ای صالح برای خودتان می‌یابید؛ ولی ریاکار و مشرک، اگر از عمل آنها تقلید شود، شما را در آتش جهنم می‌سوزاند.

دوازدهم: دعا و توسل به الله تعالی، می‌دانیم رسول الله ﷺ آن را به ما آموخته است و فرموده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا هَذَا الشِّرْكَ فَإِنَّهُ أَخْفَى مِنْ دَيْبِ النَّمْلِ» (ای مردم از این شرک تقوا پیشه کنید و بترسید که آن مخفی‌تر از راه رفتن مورچه است)، بعضی از صحابه رضی الله عنهم گفتند: چگونه از آن تقوا پیشه کنیم و آن مخفی‌تر از حرکت مورچه است، ای رسول الله؟! فرمود: «قُولُوا اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ نُشْرِكَ بِكَ شَيْئًا نَعْلَمُهُ وَنَسْتَغْفِرُكَ لِمَا لَا نَعْلَمُهُ»^(۲) (بگویید: یا الله!

(۱) سورة لقمان، الآية: ۳۴.

(۲) أخرجه أحمد، ۴۰۳/۴، وإسناده جيد، وغيره، وانظر: صحيح الجامع، ۲۳۳/۳، وصحيح الترغيب

ما به تو پناه می‌بریم از این که به تو ذره‌ای شرک بورزیم در حالی که آن را می‌دانیم و از آنچه نمی‌دانیم طلب آموزش می‌کنیم).

سیزدهم: دوست داشتن یاد الله تعالی توسط بنده و برتری دادن یاد او بر دوست داشتن ستایش مخلوقات، الله تعالی می‌فرماید: ﴿فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ﴾^(۱) (مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم)، همچنین پیامبر ﷺ از پروردگارش ﷻ روایت فرموده است: «أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِي بِي وَأَنَا مَعَهُ حِينَ يَذْكُرُنِي إِنْ ذَكَرَنِي فِي نَفْسِهِ ذَكَرْتُهُ فِي نَفْسِي وَإِنْ ذَكَرَنِي فِي مَالٍ ذَكَرْتُهُ فِي مَالٍ هُمْ خَيْرٌ مِنْهُمْ وَإِنْ تَقَرَّبَ مِنِّي شَيْراً تَقَرَّبْتُ إِلَيْهِ ذِرَاعاً وَإِنْ تَقَرَّبَ إِلَيَّ ذِرَاعاً تَقَرَّبْتُ مِنْهُ بَاعاً وَإِنْ أَتَانِي يَمْشِي أَتَيْتُهُ هَرْوَلَةً»^(۲) (من نزدیک گمان بنده‌ام به من، با او رفتار می‌کنم و من همراه او هستم مادامی که مرا یاد می‌کند، اگر مرا در خودش یاد کند، من او را در خودم یاد می‌کنم و اگر مرا در جمعی یاد کند او را در جمعی بهتر از آن، یاد می‌کنم و اگر به اندازه‌ی یک وجب به من نزدیک شود، من به او اندازه‌ی یک ذراع^۳ به او نزدیک می‌شوم و اگر به اندازه‌ی یک ذراع به من نزدیک شود، من به اندازه‌ی یک باع به او نزدیک می‌شود و اگر به نزد من راه بیاید، من به سمت او می‌دوم)، والله المستعان^(۴).

چهاردهم: طمع نداشتن به چیزی که نزد مردم است؛ اخلاص همراه

والترهيب للأكياني، ۱/۱۹۱.

(۱) سورة البقرة، الآية: ۱۵۲.

(۲) متفق عليه من حديث أبي هريرة ؓ البخاري واللفظ له، كتاب التوحيد، باب قول الله تعالى: ﴿وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ﴾، ۲۱۶/۸، برقم ۷۲۰۵، مسلم، كتاب الذكر والدعاء، باب الحث على ذكر الله، ۲۰۶۱/۴، برقم ۲۶۷۵.

۳ - ذراع به اندازه ساعد دست است و باع به اندازه‌ی فاصله‌ی باز دو دست. (مترجم)

(۴) انظر ما تقدم في: منهاج القاصدين، ص ۲۲۱-۲۲۳، وكتاب الإخلاص لحسين العواينة، ص ۴۱-۶۴، والرياء ذمه وأثره السيئ في الأمة لسليم الهلالي، ص ۶۱-۷۲، والإخلاص والشرک الأصغر للدكتور عبد العزيز بن عبد اللطيف، ص ۱۳.

دوست داشتن ستایش و مدح [مردم] و طمع آنچه در دست آنها است، با قلب یکجا جمع نمی‌شود، مگر آن که آب و آتش یکجا جمع شوند یا سوسمار و ماهی، اگر نفست از تو طلب اخلاص کرد آن را بر طمع برتری بده و قبول کن! اول با جاقوی ناامیدی طمع به آنچه در دست مردم است را ذبح کن و چیزی که ذبح طمع را آسان می‌کند، علم یقینی به این امر است که آنچه در آن طمع صورت می‌گیرد، در دست الله تعالی به صورتی یکتا، خزان آن موجود می‌باشد و کسی غیر از او مالک آن نمی‌باشد و کسی غیر از او چیزی را به بنده عطا نمی‌نماید^(۱).

بازدهم: شناخت میوه‌های اخلاص و فایده‌های آن و عاقبت ستودنی آن در دنیا و آخرت و همچنین این که اخلاص سبب یاری و پیروزی امت اسلامی می‌گردد و از عذاب الله ﷻ نجات حاصل می‌شود و منزلت و درجات انسان در دنیا و آخرت بالا می‌رود و از تمام گمراهی‌ها در دنیا سلامتی حاصل می‌گردد و بنده به رستگاری دوست داشتن الله تعالی دست می‌یابد و اهل آسمان و زمین او را دوست می‌دارند و شهرت نیکو ایجاد می‌شود و از طوفانهای بالای دنیا و آخرت گشایش حاصل می‌گردد و اطمینان خاطر و احساس خوشبختی و توفیق بدست می‌آید و سختی‌ها و دشواری‌ها تحمل می‌گردد و ایمان در قللها زینت پیدا می‌کند و دعا مستجاب شده و نعمت در قیر و بشارت به شادی حاصل می‌گردد الله سبحانه توفیق دهنده است^(۲).

مسلمان کسی است که رضایتمندی الله تعالی و رستگاری به نجات یافتن توسط وی و دوست داشتن الله متعال را می‌خواهد، پس بر وی واجب است که مجاهدانه در بدست آوردن اخلاص و فرار از ریا کوشش نماید. از الله تعالی می‌خواهم تا من و شما و تمامی دعوت‌کننده‌های مسلمان و امامان آنها و عموم

(۱) انظر: القوائد لابن القيم، ص ۲۶۷-۲۶۸.

(۲) انظر: کتاب الإخلاص للعوايشة، ص ۶۴-۶۶.

آنها را از این بلاى خطرناک حفظ نمايد ولا حول و لا قوة إلا بالله العلی العظيم
و صلى الله و سلم و بارک علی نبینا محمد، و علی آله و أصحابه أجمعین.



کتابهای مؤلف

فضائل الصیام و قیام رمضان	۴۹
الصیام فی الإسلام	۵۰
العمرة والحج والزيارة فی ضوء الكتاب والسنة	۵۱
مرشد المعتبر والحجاج والزائر	۵۲
رمی الجمرات فی ضوء الكتاب والسنة	۵۳
مناسک الحج والعمرة فی الإسلام	۵۴

الجهاد في سبيل الله: فضله، وأسباب النصر على الأعداء

المفاهيم الصحيحة للجهاد في ضوء الكتاب والسنة

الجهاد في الإسلام

الربا: أضراره وآثاره في ضوء الكتاب والسنة

من أحكام سورة المائدة

الحكمة في الدعوة إلى الله تعالى

مواقف النبي صلى الله عليه وسلم في الدعوة إلى الله تعالى

مواقف الصحابة رضي الله عنهم في الدعوة إلى الله تعالى

٦٣	مواقف التابعين وأتباعهم في الدعوة إلى الله تعالى
٦٤	مواقف العلماء عبر العصور في الدعوة إلى الله تعالى
٦٥	مفهوم الحكمة في ضوء الكتاب والسنة
٦٦	كيفية دعوة الملحدين إلى الله تعالى في ضوء الكتاب والسنة
٦٧	كيفية دعوة الوثنيين إلى الله تعالى في ضوء الكتاب والسنة
٦٨	كيفية دعوة أهل الكتاب إلى الله تعالى في ضوء الكتاب والسنة
٦٩	كيفية دعوة علماء المسلمين إلى الله تعالى في ضوء الكتاب والسنة
٧٠	مقومات الداعية الناجح في ضوء الكتاب والسنة

٧١ فقه الدعوة في صحيح الإمام البخاري رحمه الله (٢/١)

٧٢ الذكر والدعاء والعلاج بالرقى من الكتاب والسنة (٤/١)

٧٣ الدعاء من الكتاب والسنة

٧٤ حصن المسلم من أذكار الكتاب والسنة

٧٥ ورد الصبح والمساء في ضوء الكتاب والسنة

٧٦ العلاج بالرقى من الكتاب والسنة

٧٧ شروط الدعاء وموانع الإجابة

٧٨ نور الشيب وحكم تغييره في ضوء الكتاب والسنة

قيام الليل: فضله وآدابه في ضوء الكتاب والسنة

٧٩

صلة الأرحام في ضوء الكتاب والسنة

٨٠

بر الوالدين في ضوء الكتاب والسنة

٨١

سلامة الصدر في ضوء الكتاب والسنة

٨٢

نواب الغريب المهداة إلى أموات المسلمين في ضوء الكتاب والسنة

٨٣

وداع الرسول صلى الله عليه وسلم لأمتيه

٨٤

رحمة للعالمين محمد رسول الله سيد الناس ﷺ

٨٥

الغفلة: خطرها وأسبابها وعلاجها

٨٦

ثمر المجتنى مختصر شرح أسماء الله الحسنى (تحت الطبع)	٨٧
عظمة القرآن الكريم وتعظيمه وأثره في النفوس والأرواح	٨٨
مجموع الخطب المنبرية (تحت الطبع)	٨٩
تصحيح شرح حصن المسلم في ضوء الكتاب والسنة	٩٠
رواق..... فـ لا تنسى..... من سيرة والدته رحمه الله	٩١
إهداء التذكار في فضيلة المنبرية للشيخ.....	٩٢
أبراج الزجاج في سيرة الحجاج: تأليف عبدالرحمن بن سعيد رحمه الله (تحقيق)	٩٣
الجنة والنار: تأليف عبدالرحمن بن سعيد بن علي رحمه الله (تحقيق)	٩٤

غزوة فتح مكة: تأليف عبدالرحمن بن سعيد بن علي رحمه الله (تحقيق)	٩٥
سيرة الشاب الصالح عبدالرحمن بن سعيد بن علي وهف رحمه الله	٩٦